

رویکرد انتقادی درباره برداشت‌های رایج از اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی در ایران

سیدمحمدجواد قربی*

چکیده

بعد از مطرح شدن نظریه اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران، محافل علمی و آکادمیک در خصوص نظریه پردازی و مفهوم پردازی پیرامون آن به تکاپو درآمده و پژوهشگران براساس برداشت‌های خویش به تبیین این مفهوم اقتصادی پرداختند به گونه ای که تاکنون برداشت‌های متفاوتی از اقتصاد مقاومتی ارائه شده است. مقاله حاضر سعی دارد با بررسی متون منتشر شده درباره اقتصاد مقاومتی، به بررسی دیدگاه‌های رایج در این خصوص بپردازد و در این راستا، چهار رویکرد اصلی که معمولاً در مقالات، طرح‌های پژوهشی و کتاب‌های مختلف به آنها اشاره شده است را مورد بررسی قرار می‌دهیم. به همین خاطر، همسان‌پنداری اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی، اقتصاد تحریم محور، تاب‌آوری و فنریت اقتصادی، و ریاضتی بودن اقتصاد مقاومتی مورد مذاقه و تحلیل قرار خواهند گرفت. برای انجام این پژوهش از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات اسنادی بهره گرفته خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، ریاضت اقتصادی، تاب‌آوری، فنریت، متون اقتصادی

۱. مقدمه

با توجه به نیازهای جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقتصاد، راهبرد اقتصاد مقاومتی برای برون رفت از چالش‌ها و آسیب‌های اقتصاد ملی مطرح گشت و بعد از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مجامع علمی کشور به بررسی این سیاست‌ها به همراه اصول، مولفه‌ها، راهبردها، آسیب‌ها و غیره پرداختند. در این میان، یکی از مسائلی که پیش روی اقتصاد

* پژوهش‌گر حوزه اقتصاد مقاومتی، ghorbi68@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۵

مقاومتی قرار دارد، تعدد برداشت‌های پیرامون این الگوی اقتصادی است که می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها تاثیر منفی داشته باشد و در عدم فهم صحیح آن نیز موثر باشد. به همین دلیل، در این مقاله تلاش می‌شود تا برداشت‌های رایج از اقتصاد مقاومتی در آثار تولید شده علمی در داخل کشور نیز مورد بررسی قرار گیرد و با رویکردی انتقادی نسبت به برخی از این برداشت‌های رایج از اقتصاد مقاومتی، داده‌های مناسبی برای فهم و تحلیل اقتصاد مقاومتی ارائه دهیم. بدین منظور، چهار برداشت رایج از اقتصاد مقاومتی ارائه شده و مورد نقد قرار می‌گیرد.

۲. برداشت‌های رایج از اقتصاد مقاومتی در متون منتشر شده در ایران

چهار برداشت رایج از اقتصاد مقاومتی در متون منتشر شده در ایران عبارتند از؛

۱.۲ همسان‌پنداری اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی

اقتصاد مقاومتی اصولی دارد که با اصول اقتصاد اسلامی همسان است (آفانظری، ۱۳۹۳: ۴۹) و از ویژگی‌های نظام اقتصادی اسلام آن است که اخلاق در آن نقشی تاثیر گذار دارد؛ چرا که معیارهای اخلاقی بر رفتار اقتصادی انسان و جامعه نظارت و حاکمیت دارد و حاکمیت مطلق محیط و رفتار اقتصادی بر اندیشه و اخلاق انسانی مردود شناخته شده است. در نظام اقتصادی اسلامی، اقتصاد وسیله‌ای است برای نیل به اهداف متعالی اسلام است و اقتصاد مقاومتی که مورد تاکید رهبر معظم انقلاب اسلامی است، رهیافتی از اقتصاد اسلامی است که الزامات آن کاملاً مطابق با اصول اخلاق اسلامی است. (ارژنگ و دهقان، ۱۳۹۳) به این معنا که، اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در شرایط بروز نامالایمات و حوادث و بحران‌ها و یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع بدهد. با این نگاه اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست؛ زیرا اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأمأ دارد و از نهادهای اقتصادی و اجتماعی مناسب هم بهره می‌گیرد. (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۵)

نگارنده مقاله «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی» در خصوص ارتباط اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی چنین بیان می‌دارد؛ برخی معتقدند اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است، که در این صورت، هم ارز اقتصاد سرمایه‌داری، اقتصاد سوسیالیستی و اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد. روشن است که چنین تعبیری به سبب هم‌ارزی اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی

صحیح نیست. ولی می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که اقتصاد مقاومتی مترادف اقتصاد اسلامی است، و به عبارت بهتر، نظام اقتصاد اسلامی همان نظام اقتصاد مقاومتی است. (سیف‌لو، ۱۳۹۳: ۱۵۸-۱۵۷) سیف‌لو معتقد است که اولاً، نظام اقتصاد اسلامی به علل گوناگون تاریخی، نظام تازه تأسیسی است و تاکنون نتوانسته است به صورت عملی ظهور و بروز نموده، به صورت یک نظام حاکم رفتار نماید. حتی با نادیده گرفتن دیدگاه‌های رقیب در این خصوص، که معتقدند چنین نظامی وجود ندارد، این نظام همچنان دوران تکوین و نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی خود را طی می‌کند و دست کم تاکنون مجال ظهور عملی پیدا نکرده است. از این رو، چگونه می‌توان گفت آنچه خود هنوز کاملاً مشخص نشده و هنوز در کش و قوس اثبات و ثبوت است، شکل خاصی از آن مطمع نظر است که قرار است به بیان مقام معظم رهبری، سامان بخش اقتصادی کشور و انقلابی به این عظمت در حال و آینده باشد؟ ثانیاً، آیا اگر این نظریه توسط شخص یا گروهی غیر از مقام معظم رهبری ارائه می‌شد آنگاه همچنان شکل خاصی از نظام اقتصاد اسلام بود؟ ثالثاً، ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی که تاکنون توسط مقام معظم رهبری برای اقتصاد مقاومتی مطرح شده هرگز مشابه عناصر و کارکردهای نظام اقتصادی نیست. هر نظام اقتصادی شامل سه جزو فلسفه اقتصادی، مجموعه اصول، و روش تحلیل عمل است که در سیاست‌های ابلاغی و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مشاهده نمی‌شود. البته پرواضح است که نظام اقتصاد اسلامی بهترین ظرف برای اجرای اقتصاد مقاومتی برای جمهوری اسلامی ایران است، ولی نمی‌توان اجرا و عملیاتی شدن اقتصاد اسلامی را فقط در این ظرف مقدر دانست و با این استدلال تا زمان پیاده‌سازی و به عبارت بهتر، استخراج و مدون شدن نظام اقتصاد اسلامی، اجرا و تحقق بخشی اقتصاد مقاومتی را به تعویق انداخت. علاوه بر آن، هیچ‌یک از سخنان مقام معظم رهبری حاکی از این نیست که اقتصاد مقاومتی مترادف نظام اقتصاد اسلامی یا شکل خاصی از آن است، و یا اینکه برای اجرای اقتصاد مقاومتی، مظلوفی جز نظام اقتصاد اسلامی وجود ندارد. شاید بهترین تفسیر، بی‌طرفی و خنثا بودن اقتصاد مقاومتی نسبت به ظرف اجرایی آن است. به عبارتی، اقتصاد مقاومتی منحصر نظام اقتصادی خاصی نیست.» (سیف‌لو، ۱۳۹۳: ۱۵۸)

میرمعزی در «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن» استدلال می‌کند که «اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت حمله همه‌جانبه اقتصادی دشمن پدید می‌آید. در نظام اقتصادی اسلام در این وضعیت با تغییر در اولویت‌ها و به تبع آن در اصول و سیاست‌های کلان و حاکمیت روحیه جهاد بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم،

راهبردی کلان طراحی می‌شود که تهدید را تبدیل به فرصت کرده و باعث رشد جهشی می‌شود. بر این اساس اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری، اقتصادی است که دو ویژگی اساسی دارد: در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم است و کمتر آسیب می‌بیند؛ و تهدید را تبدیل به فرصت کرده و در وضعیت تهدید رشد می‌کند... اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری باید در ظرف اقتصاد اسلامی تفسیر شود؛ زیرا وی در بیانات متعددی به ضرورت در نظر گرفتن مبانی، ارزشها و دستوره‌های اسلامی در علوم انسانی و از جمله علم اقتصاد و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأکید کرده است... نمی‌توان اقتصاد مقاومتی را از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای به گونه‌ای تفسیر کرد که ارتباطی با اقتصاد اسلامی نداشته و نسخه بازسازی شده اقتصاد حمایتی یا اقتصاد تحریم و مانند آن باشد که در ادبیات اقتصادی وجود دارد. اگر مقصود ایشان از اقتصاد مقاومتی همان نظام اقتصادی اسلام بود، وجهی نداشت که به جای تأکید بر تحقق نظام اقتصادی اسلام و بیان ویژگی‌های آن، از اصطلاح اقتصاد مقاومتی استفاده کرده و بر تحقق آن تأکید کند. از سوی دیگر، اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری مترادف با نظام اقتصادی اسلام نیست بلکه شکل خاصی از این نظام است که در وضعیت خاص پدید می‌آید. علت آن نیز واضح است زیرا ایشان اقتصاد مقاومتی را در سال ۸۹ مطرح و تصریح کردند که ما در وضعیت ویژه‌ای هستیم و این وضعیت اقتضاء می‌کند که اقتصاد مقاومتی مطرح شود. افزون بر این اگر مقصود ایشان از اقتصاد مقاومتی همان نظام اقتصادی اسلام بود، وجهی نداشت که به جای تأکید بر تحقق نظام اقتصادی اسلام و بیان ویژگی‌های آن از اصطلاح اقتصاد مقاومتی استفاده کرده و بر تحقق آن تأکید کند. در نتیجه اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت تهدید و فشار اقتصادی دشمن پدید می‌آید. حال این پرسش مطرح است که در نظام اقتصادی چه تغییرهایی باید رخ دهد تا تبدیل به اقتصاد مقاومتی شود؟ نخست اینکه در منظومه هدف‌های نظام اقتصادی اسلام، استقلال اقتصادی در اولویت اول قرار گیرد و به تبع آن اولویت بندی اصول راهبردی نظام تغییر کرده و سیاست‌های کلی متناسب با تغییرهای جدید تنظیم شود. دوم اینکه جهاد اقتصادی بر مردم و مسئولین به عنوان امر واجب فرض شود.» (میرمعزی، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۱)

همان‌گونه که در بالا تشریح شد، مترادف دانستن اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی صحیح نیست. اگر این دو همسان بودند دیگر احتیاجی به طرح اصطلاح نوینی در ادبیات اقتصادی نبود و از همان واژه اقتصاد اسلامی استفاده می‌شد. در عین حال، مقاوم سازی

اقتصاد و اقتصاد مقاومتی در بطن اقتصاد اسلامی وجود دارد و این راهبرد اقتصادی بخشی از اقتصاد اسلامی است و محدودتر از آن است. با این اوصاف، طیف وسیعی از کارهای پژوهشی که بر یکسان بودن اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی تاکید دارند، ضمن تقلیل دادن اقتصاد اسلامی به یک اقتصاد مقاوم، از تبیین صحیح اقتصاد مقاومتی نیز دور خواهند شد، زیرا همسان پنداری موجود زمینه‌های بی توجهی به کاوش نظری در زمینه اقتصاد مقاومتی می‌شود و صرفاً به داده‌های اقتصادی گذشته در حوزه اقتصاد نیز اکتفا می‌شود. براساس اقتصاد مقاومتی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است؛ یعنی اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد اسلامی نیست بلکه استخراج شده از آموزه‌های اسلامی است. بنابر فرمایش آیت‌الله خامنه‌ای؛ «اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده‌ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است.» (رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

در عین حال، اقتصاد مقاومتی صرفاً منحصر به اقتصاد کشورهای اسلامی نمی‌شود بلکه کشورهای دیگر هم براساس نیازهای خویش و مشکلات اقتصادی نظیر تکانه‌های اقتصاد بین‌المللی، جهانی شدن اقتصادی، بحران‌های مالی و اقتصادی، ناکارآمدی نظام لیبرال اقتصادی، ورشکستگی‌های اقتصادی و غیره به سمت و سوی مقاوم سازی اقتصاد گام برداشته‌اند. به تعبیر رهبری؛ «گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها بخصوص در این سالهای اخیر با تکانه‌های شدید اقتصادی که در دنیا به‌وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند؛ البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد.» (رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰) با این اوصاف، اگر اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد اسلامی است، پس چگونه سایر کشورهای غیراسلامی با وجود مبانی لیبرالی هم می‌توانند این راهبرد را پیاده سازند؟ فقط ذکر این نکته لازم است که اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران، براساس اصول، مبانی و مولفه‌های اسلامی و به تعبیری دیگر، مختصات اقتصاد منبعث از آموزه‌های اسلامی و الهی نیز سازماندهی، طراحی و اجرایی می‌شود و این موضوع در فرایند مقاوم سازی اقتصاد در کشورهای دیگر جایگاهی ندارد و به آن توجهی نمی‌شود و همین مسئله است که اقتصاد مادی آنها در ظاهر درخشان و مقاوم است ولی از درون و باطن بسیار شکننده، غیرعادلانه، تبعیض گرا، بی برکت، تجملی و غیره است. از این رو مقاوم سازی اقتصاد در پرتو سیاست اقتصاد مقاومتی، به مقاومت در برابر دو دسته از تکانه‌ها می‌پردازد؛ مقاومت در برابر تهدیدات و چالش‌های درونی و بیرونی و مقاومت در برابر خواسته‌های نفسانی نظیر تجمل پرستی، مصرف زدگی، اسراف و تبذیر، مال دوستی افراطی و غیره. پس اقتصاد مقاومتی در حکومت اسلامی

برخلاف کشورهای غربی که دارای ماهیتی سکولار، لیبرالیستی و حتی مارکسیستی هستند، ارتباط میان فرهنگ و اقتصاد است و قبل از گام برداشتن در میدان اقتصادی، باید فرهنگ را اصلاح نمود و فرهنگ‌های اسلامی را در جامعه نهادینه نمود و بعد در مسیر بازسازی، ترمیم، مقاوم سازی، سالم سازی، طیب و عادلانه نمودن اقتصاد گام برداشت که ضمن مقاوم ساختن نظام اقتصادی کشور، نظام فرهنگی و معنوی کشور را هم جلا می‌بخشد.

۲.۲ اقتصاد تحریم محور

در فرایند اقتصاد مقاومتی باید به توان داخلی اعتقاد داشت و با حرکتی هماهنگ و یک استراتژی جامع به مقابله با تهدیدهای اقتصادی گام برداشت. (جلالی، ۱۳۹۴: ۵۰-۳۸) از این رو، نداشتن رویکردی واحد نسبت به اقتصاد مقاومتی زمینه‌های ناقص ماندن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را فراهم می‌آورند. به عنوان مثال، عده ای که اقتصاد مقاومتی را صرفاً اقتصادی برای رفع تحریم‌ها می‌دانند بسترهای حرکت‌های ناهمگون در بدنه اقتصادی را فراهم می‌آورند زیرا اقتصاد مقاومتی چیزی فراتر از اقتصاد تحریمی است. عباسعلی اختری در کتاب "اقتصاد مقاومتی: زمینه‌ها و راهکارها" به تشریح آسیب‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند که براساس رویکرد دینی و قرآن محور ایشان، در حوزه آسیب‌ها نیز به تحریم‌ها در اعصار تاریخی اشاره داشته‌اند اما عمده مشکلات را داخلی می‌دانند و براساس استعانت از سیره و کلام معصومین و قرآن کریم، بر مولفه‌هایی نظیر بی‌عدالتی، بی‌همتی، سوء مدیریت، مصرف زدگی، قناعت نکردن، بی‌توجهی به خودکفایی، استفاده نامناسب از سرمایه‌های طبیعی و غیره به عنوان آسیب‌های اقتصاد ملی و اقتصاد مقاومتی اشاره می‌نمایند و می‌توان براساس اندیشه‌های ایشان این چنین نتیجه گرفت که با مدیریت صحیح سرمایه‌های الهی توسط اشخاص، جامعه و مسئولین می‌توان یک اقتصاد مقاوم را پایه ریزی نمود. (نک: اختری، ۱۳۹۲)

در همین راستا، تشکینی و سوری (۱۳۹۳) مهمترین آسیب‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در فرایند اقتصاد مقاومتی را تک محصولی بودن، واردات، بهره‌وری پائین، وابستگی دولت به صادرات گاز و نفت، عدم توازن بخش خصوصی و سهم دولت در اقتصاد و غیره اشاره می‌کنند (تشکینی و سوری، ۱۳۹۳: ۶۶-۵۳) که نشان می‌دهد عمده چالش‌ها درونی هستند. پس برجسته کردن تحریم‌ها به عنوان آسیب جدی اقتصاد ملی نمی‌تواند برداشت صحیحی باشد. البته این امر به منظور کم‌اهمیت جلوه دادن تحریم

نیست (پیغامی و دیگران، ۱۳۹۴) بلکه ناظر بر رویکرد کلان نگر نسبت به اقتصاد مقاومتی است و باید آینده و تهدیدات و چالش‌های مهم دیگر را نیز در نظر داشت و صرفاً تک بعدی به اقتصاد مقاومتی ننگریست. نگرش عمده طرفداران رویکرد تهدیدمحور نسبت به اقتصاد مقاومتی این است که «اقتصاد مقاومتی تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها است. اقتصادهایی که با تهدیدهای متعدد و همه جانبه ای مواجه هستند، برای برون رفت از این تهدیدها به هر صورت اقداماتی را انجام می‌دهند. بهترین و قابل توجه ترین شیوه همین تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها است. به هر صورت کشور ما هم با تهدیدهای متعددی مواجه است که باید از آن تهدیدها استفاده بکنیم و آن‌ها را به فرصت تبدیل کنیم.» (محق نیا، ۱۳۹۳: ۶۹) مراد از تهدیدها در این رویکرد، همان فشارهای اقتصادی بیرونی نظیر تحریم می‌باشد و توجه عمده بر روی مسائل بیرونی است.

تاری و کاویانی (۱۳۹۲) در تحقیقی مشترک با عنوان "اقتصاد مقاومتی و مولفه‌های آن" بیان می‌دارند که «اقتصاد مقاومتی در یک بازه زمانی کوتاه مدت نیز قابل تعریف است که به منظور عبور از شرایط بحران کوتاه مدت طراحی شده است.» (تاری و کاویانی، ۱۳۹۲: ۲۷) باید اذعان داشت زمانی که به قضیه اقتصاد مقاومتی از منظر تحریم‌ها نگریسته می‌شود، زمینه‌های نگاه گذرا و کوتاه مدت نسبت به اقتصاد مقاومتی را فراهم می‌آورد و این مسئله تنگ نظری نسبت به مقاوم سازی اقتصاد است و به موضوع اقتصاد مقاد مقاومتی نیز تاکتیکی نگریسته می‌شود.

در کتاب "اقتصاد مقاومتی با تولید ملی" این چنین اذعان می‌شود اصطلاح اقتصاد مقاومتی بر این موضوع دلالت می‌کند که فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم سد راه پیشرفت جامعه است که باید بر آن غلبه کرد. یکی از اصلی ترین اهداف اقتصاد مقاومتی ایستادگی در برابر حملات اقتصاد غرب و دستیابی به شاخص‌های رشد و توسعه است. (رادمهر، ۱۳۹۳) جهرمی و همکاران در مقاله ای با عنوان "بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیتالله خامنه‌ای" ادعا می‌نمایند: «عصر پر چالش کنونی که برای جمهوری اسلامی ایران، تحریمها و دشواریهای فراوان و ویژگی‌های را نیز به دنبال داشته است، نظام اقتصادی کشور را لاجرم به اتخاذ یک نظام اقتصاد متناسب با این تحولات و چالشهای خاص، فرامیخواند. در واقع حیات نظام اقتصادی کشور در گرو مقاومتی علیه آماج حملات اقتصادی و سیاسی است که علاوه بر کارآمدی در اداره معیشت جامعه، بتواند حضور فعال جمهوری اسلامی ایران را به عنوان الگو و الهامبخش در تحولات جهان میسر سازد. اقتصاد مقاومتی به معنای آمادگی روحی و

عملی برای مقاومت در برابر حملات اقتصادی دشمن و پاسخ به آن در کوتاهمدت و حرکت به سمت طراحی الگوی اقتصادی اسلامی در چهارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در درازمدت است. اقتصاد مقاومتی مختص زمان تحریم و جنگ نیست، بلکه یک چشم‌انداز بلندمدت پیش روی اقتصاد ایران است؛ با همین نگرش، حوزه موضوعی اقتصاد مقاومتی بسیار گسترده است. البته اهمیت همه موضوعات به یک میزان نخواهد بود و حداقل در سه سطح مسائل بنیادی، موضوعات راهبردی و مسائل کاربردی و روینایی طرح میشود... قطع وابستگی به نفت، جنگ نامتقارن اقتصادی و... از جمله این دکترینها میباشند. اقتصاد مقاومتی طراحی و مدلسازی ویژه‌ای از شرایط و سازوکارهای اقتصادی است که مبتنی بر آن، فضای اقتصادی کشور مبتنی بر فرض وجود حداکثر تحریمها و فشارها، به صورت فعال و نه منفعل، طراحی می‌شود. اقتصاد مقاومتی بنیانی نظری برای مدلسازی گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریمهای بیش از پیش آماده ساخته است. مکانیسمهای اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطهای و... در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیشفرض طراحی میشوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود. در چنین فضایی، تحریمهای اقتصادی نه تهدید، بلکه فرصت ویژه‌ای هستند که زیر فشار آنها میتوان راهبردهای اقتصاد مقاومتی را با قدرت و اجماع ملی همراه و پیاده سازی آنها را تسریع کرد.» (تراب زاده و دیگران: ۱۳۹۲: ۴۳-۴۴) در تحقیقی با عنوان «اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران» به موضوع وابستگی نفت پرداخته است و مدعی است با وقوع انقلاب اسلامی تلاشهای زیادی در جهت تحول در وضعیت توسعه نیافتگی ایران صورت پذیرفت. به نظر میرسد به رغم این تلاشها تغییرات ساختاری در اقتصاد سیاسی ایران با موفقیت همراه نبوده است و خصلتهای اقتصادی رانتیر همچنان بر دولت ایران صدق میکند. به همین دلیل در شرایط کنونی، فشار وارد کردن بر اقتصاد ایران برای وادار ساختن جمهوری اسلامی به تسلیم در برابر نظام سلطه جهانی بیش از گذشته در دستور کار دشمنان قرار گرفته است. طرح ایده و نظریه اقتصاد مقاومتی به مثابه الگویی از مدیریت جهادی از سوی رهبر انقلاب اسلامی در پاسخ به این حربه اقتصادی مطرح شده است. اقتصاد مقاومتی به عنوان نماد مدیریت جهادی و الزامات آن در شرایط کنونی (تحریمهای جدید اقتصادی) می‌تواند عامل مؤثری برای ایجاد تحول اساسی در اقتصاد سیاسی ایران باشد. (هزاوئی و حیدری، ۱۳۹۳: ۹)

تحقیقی دیگر با عنوان "اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی" ذکر شده است که در کوتاه مدت با توجه به فرصت اندک و در اختیار نداشتن فرصت برنامه ریزی از قبل و هم چنین افشای برخی از اقدامات خصمانه ی دشمن، باید تمرکز اصلی بر روی ابزارها و فرصت های مناسب جهت دفاع باشد. بسیاری از اقداماتی که پیش تر در اقتصاد کشور به اجرا گذارده شده اند، می توانند برای مدیریت کوتاه مدت مورد استفاده قرار گیرند. البته اقدامات کوتاه مدت نباید مانع اجرای کامل الگو و رسیدن به اقتصادی مقاوم باشد. اجرای کامل الگو باعث خواهد شد که اقتصاد کشور از ویژگی هایی برخوردار بشود که از ویژگی های دفاع غیرعامل و در واقع مقاوم سازی و واکنش کردن است؛ زمانی که اقتصاد مقاومتی بر اقتصاد کشور حکومت نماید، دیگر دشمنان، دندان طمع و تهاجمات اقتصادی را خواهند کشید؛ چرا که با مقاوم شدن اقتصاد کشور، ضمن به حداقل رسیدن احتمال موفقیت آنها در تهاجم اقتصادی، هزینه های جنگ اقتصادی برای آنها بسیار سنگین خواهد بود و این همان ویژگی بازدارندگی دفاع غیرعامل است. هم چنین ویژگی دیگر دفاع غیرعامل با اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی حاصل خواهد شد. این ویژگی به قابلیت برنامه ریزی و پیش بینی پیش از موعد اقدامات دفاعی در پارادایم دفاع غیرعامل مربوط است. (سیفلو، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۴ و سازمان پدافند غیرعامل اقتصادی، ۱۳۹۴: ۶۶-۴۴)

در اکثر تحقیقات و پژوهش های انجام شده پیرامون اقتصاد مقاومتی در کشور، از تحریم به عنوان عامل کلیدی اقتصاد مقاومتی تاکید می شود و علی رغم مطرح نمودن جامعیت اقتصاد مقاومتی و اذعان این موضوع که اقتصاد مقاومتی طرفاً در خصوص تحریم نیست ولی در حوزه استنتاج ها، مفروضات و اصول بر روی تحریم به عنوان تهدید اصلی اقتصاد مقاومتی یاد می کنند و با این مشکل مواجه هستند که اگر تحریم های اقتصادی از پیش روی جمهوری اسلامی ایران برداشته شود، طراحی الگوی اقتصادی و مبانی ترسیم شده آنها با مشکلات عدیده ای مواجه خواهد شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می دارند که: «اقتصاد مقاومتی برای کشور ضروری است؛ تحریم باشد هم لازم است، تحریم نباشد هم لازم است. آن روزی که تحریمی هم در این کشور وجود نداشته باشد، اقتصاد مقاومتی برای این کشور ضروری است.» (رهبری، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹) براساس بیانات فوق روشن می گردد که اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد تحریم نیست و یا اینکه صرفاً برای مقابله با تحریم ایجاد نشده است بلکه پساتحریمی می باشد. پس اقتصادی گذرا و مقطعی نمی باشد.

بر اساس مطالعات مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل آمریکا، اقتصاد ایران بیش از آن که از تحریم‌ها آسیب ببیند، از سیاست‌های اقتصادی دولت‌های داخلی آسیب دیده است (Cordesman, Gold and Schulte, 2014). در همین راستا، یافته‌های مطالعات داخلی نشان می‌دهد رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت در ایران از تحریم‌های اقتصادی اثر مستقیم معنا داری نپذیرفته است. (عزتی و سلمانی، ۱۳۹۴: ۷۵) از این رو، تحریم‌ها بسترهای رجوع به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی را فراهم نمود ولی یگانه دلیل طرح این سیاست اقتصادی نبوده است و مهمترین دلایل، درونی بوده‌اند. و در نهایت اینکه «اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است، اما معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است؛ که یک مقداری از آن مربوط به تحریم است، یک مقداری از آن مثلاً مربوط به غلط بودن فلان برنامه است، نه، این مال همیشه است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک می‌کند.» (رهبری، ۱۳۹۳/۱/۱)

۳.۲ اقتصاد تاب آور و فنریت اقتصادی

یکی از واژه‌های رایج در ادبیات اقتصادی غرب، که برای تبیین اقتصاد مقاومتی استفاده می‌گردد نیز فنریت اقتصادی (Brigulio and et.al, 2006, PP. 265-288) است که توسط محققان ایرانی در تبیین اقتصاد مقاومتی بسیار استفاده می‌شود (سیف، ۱۳۹۳: ۲۰-۱۳ و غیاثوند و عبدالشاه، ۱۳۹۴: ۱۸۷-۱۶۱) و در عین حال، تلاش زیادی برای شناسایی تجربیات جهانی در حوزه اقتصاد مقاومتی و الگوپذیری از آنها انجام شده است. (غیاثوند و همکاران، ۱۳۹۳) بهره‌گیری از تجارب بشری بسیار مناسب است اما تقلیدگرایی و استفاده از الگوهای بومی سایر کشورها برای ایران نمی‌تواند حلال مشکلات باشد. همانگونه که در کتاب "تاب آوری، رویکرد مدیریت مخاطرات" ذکر شده است: «وجه اشتراک (مقاومتی) به مفهوم مقاوم سازی اقتصاد ملی در مقابل تغییرات، مخاطرات و تهدیدهای داخلی و خارجی بر سرراه پیشرفت و دستیابی به اهداف چشم انداز کشور با ادبیات علمی رایج در حوزه اقتصاد، تاب آوری است. آگاهی از تجربیات سایر کشورها، می‌تواند در اجرایی نمودن و ارزیابی ساست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مفید و موثر باشد.» (آقا محمدی و غیاثوند، ۱۳۹۳) و در جایی دیگر نقل شده است که تجربیات کشورهای

موفق در زمینه اقتصادی در سال‌های اخیر می‌تواند در تصمیم‌گیری و یا تصمیم‌سازی مدیران تأثیر بسزایی داشته باشد. کشورهایی مانند ژاپن و یا حتی آلمان که درگیر جنگ‌های بزرگی بوده و در آن‌ها با از دست دادن نیروی عظیم انسانی خود و زیرساخت‌های اقتصادی و تولیدی مواجه بودند، می‌تواند در ایران که حاصل انقلاب شکوهمند مردمی بوده و بعد از آن درگیر جنگ فرسایشی شده و در نهایت با تحریم مواجه شده، بهره‌برداری شود. (رحیمی، ۱۳۹۲) در سال‌های اخیر واژه تاب‌آوری به صورت روزافزونی توسط صاحبان کسب و کار، جوامع حرفه‌ای و دولت‌ها برای بهبود توانایی برای پاسخ و بازیابی سریع از بلایای طبیعی و حملات تروریستی استفاده شده است. نخستین موارد استفاده از این مفهوم توسط «استفان فلاین» در شورای روابط خارجی امریکا انجام گرفت. فلاین در کتابش با عنوان «آسیب‌پذیری امریکا: چگونه دولت در دفاع از ما در مقابل حملات تروریستی شکست خورد؟» (Flynn, 2004) این بحث را مطرح می‌کند که زیرساخت‌های حیاتی امریکا مانند پل‌ها، تونل‌ها، شبکه‌های برق، فرودگاه‌ها، کارخانه‌های تولید مواد شیمیایی و سیستم آب، یک هدف بالقوه برای تروریست‌هاست و مقاوم‌سازی و افزایش تاب‌آوری آنها به عنوان یک نکته کلیدی مطرح شد. توجه به مساله آسیب‌پذیری یا مقاوم بودن، نه تنها در سطح ملی، بلکه در همان زمان در سطح بنگاه‌های اقتصادی نیز جدی گرفته شد. از سوی دیگر مقاله «هامل و والیکانگاس» که در سال ۲۰۰۳ با عنوان «نیاز به مقاوم بودن» (Hamel and Välikangas, 2003: p52-63) در نشریه دانشگاه هاروارد منتشر شد نمونه‌ای از این آگاهی است. در این مقاله نویسندگان نتیجه گرفتند که تاب‌آوری، راهبردی جهت پاسخ به یک بحران یا نجات از یک شکست نیست بلکه یک فعالیت مداوم جهت پیش‌بینی اختلالاتی است که کسب و کار را مختل می‌کند. این راهبرد زمانی آشکارتر می‌شود که به ایجاد ظرفیت قبل از وقوع تغییر، دقت شود. محاصره اقتصادی غزه در سال ۲۰۰۵ نیز موضوع دیگری بود تا مقاوم‌سازی اقتصاد در شرایط محاصره اقتصادی، به عنوان یک موضوع قابل تامل مطرح شود. در این خصوص می‌توان به مقاله «صلاح رمضان محمد آغا» در سال ۲۰۱۱ پیرامون «مدل مقاوم‌سازی اقتصاد غزه» اشاره کرد که در هشتمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد و مالیه اسلامی ارایه شد. آخرین حلقه از آگاهی جهانی درباره اقتصاد مقاوم مربوط به گزارش رسمی اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۳ است که با نام «ایجاد مقاومت ملی در برابر مخاطره‌های جهانی» منتشر شد. البته تعبیر این گزارش از مقاومت (تاب‌آوری)، شامل طیف وسیعی از مخاطره‌های جهانی (مانند بلایای طبیعی، حملات تروریستی) می‌شود که فراتر از اثر شوک‌های خارجی است. مفهوم تاب

آوری در جهان متلاطم امروز که رقابت، بی ثباتی و عدم قطعیت به مفاهیمی ثابت بدل شده اند، به سرعت به عنوان یک پاسخ عملی به نیاز سازمان‌ها، بنگاه‌ها یا دولت‌ها برای رسیدگی موثر به مسائلی مانند امنیت، آمادگی، ریسک و بقا، در حال پیشرفت است. مقاوم سازی در تمام سطوح ملی، منطقه‌ای، سازمانی و بنگاه‌ها و شرکت‌های اقتصادی به کار می‌رود. برای بقا در این محیط پر از عدم قطعیت و تغییر، سازمان‌ها باید از مدل‌های سنتی ریسک و نظام مندی عبور کرده و بر روی مقاوم سازی تمرکز کنند. (اکبری، ۱۳۹۴: ۴) مولفه‌های تاب‌آوری در سیستم اقتصادی عبارتند از؛ پابرجایی، افزونگی، هوشیاری و با تدبیر بودن، واکنش به مخاطره و احیاء. (جانی و ازوجی، ۱۳۹۳: ۲۰)

غیاثوند و رمضانیان، در مقاله «ارزیابی میزان تاب‌آوری اقتصادی ایران» بیان می‌دارند که تاب‌آوری؛ ظرفیت تحمل مخاطرات بیشتر، بازگشت سریع پس از مخاطرات، کاهش تخریب در اثر مقدار معینی از مخاطرات تعریف شده است. شاخص تاب‌آوری با استفاده از مطالعات "بریگوگیو" و "بورمن و همکاران" توسط مؤلفه‌های؛ ثبات اقتصاد کلان، کارایی بازارهای خرد، حکمرانی خوب، توسعه اجتماعی، صحت سیاست‌های مالی، صحت سیاست‌های پولی، اثربخشی و کارایی دولت، نظارت همه‌جانبه، سلامت بانکی، تنوع صادرات، استقلال صادرات، استحکام خارجی، بدهی خصوصی و ذخائر بین‌المللی خالص و میزان سرمایه‌گذاری بین‌المللی تعریف و اندازه‌گیری شده است. نتایج این مطالعه نشانگر آن است که تاب‌آوری اقتصاد ایران طی دوره مورد بررسی تا سال ۱۳۸۳ روند افزایشی داشته ولی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ روند نزولی داشته است. پایین بودن تاب‌آوری اقتصاد ایران نشانگر آن است که در صورت بروز شوک خارجی از یک سو آسیب‌بالایی به اقتصاد کشور وارد شده و از سوی دیگر سرعت بازیابی و بازگشت اقتصاد به شرایط عادی پایین می‌باشد. (غیاثوند و رمضانیان، ۱۳۹۴: ۱۰۵) در پایان نامه‌ای با عنوان "تبیین مفهومی اقتصاد مقاومتی و شاخص‌سازی و سنجش مقاومت‌پذیری اقتصاد ایران" آمده است: «آنچه ما در ایران تحت اقتصاد مقاومتی می‌شناسیم متأثر از برداشت خاصی است که اولین بار رهبر انقلاب در سال ۱۳۸۹ در جمع کارآفرینان بیان فرمودند و بعد از آن به تبیین آن و بیان الزامات و اهمیت اقتصاد مقاومتی پرداختند. اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد کلان در عرصه مدیریت اقتصادی کشور مطرح است. در این بیان اقتصاد مقاومتی توانایی و ظرفیت کشور برای ایستادگی در برابر تکانه‌های واردشده به اقتصاد با توجه به حفظ مسیر رو به رشد خود است. در ادبیات جهانی از مفهومی مشابه اقتصاد مقاومتی با عنوان تاب‌آوری اقتصادی یاد می‌شود. تاب‌آوری توانایی بازگشت سریع به حالت اولیه بر اثر اثرات

خارجی ناگوار تعبیر شده است. در ادبیات اقتصادی، اقتصاد مقاومتی با سه توانایی تعریف می‌شود: توانایی بازیابی و برگشت به حالت اولیه بعد از وارد شدن شوک‌های خارج از سیستم، توانایی ایستادگی و مقابله در مقابل شوک‌ها و سوم توانایی اجتناب از شوک. مقاومت‌سازی اقتصاد از اصول اولیه در ساخت هر اقتصادی است. لذا ساختار و نظام اقتصادی کشور باید به گونه‌ای طراحی شده باشد که در برابر آسیب‌های احتمالی از خود مقاومت نشان داده و بتواند به سرعت خود را ترمیم کند. در این میان توجه به نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد جهت مقاومت‌سازی بسیار بااهمیت است. ارائه تحلیل از بهبود یا وخامت درجه مقاومت اقتصادی وابسته به ارائه شاخص‌های صریحی است که بتوانند در مجموع میزان مقاوم بودن یا آسیب‌پذیری یک اقتصاد ملی را روایت نمایند. برای سنجش میزان مقاومت‌پذیری اقتصاد شاخص‌های مختلفی تعریف ارائه کرده‌اند که به شاخص تاب‌آوری موسوم‌اند. این شاخص متشکل از چندین متغیر جزئی یا زیر شاخص هستند که به توصیف اجزاء و بخش‌های اقتصاد مقاومتی می‌پردازند. هرکدام از این زیر بخش‌ها به تنهایی به مقاومت‌سازی اقتصاد کمک می‌کنند. به دلیل تحلیل جانب کلان اقتصاد، این شاخص‌ها عمدتاً شاخص‌های کلان اقتصاد هستند. با توجه به مفهوم اقتصاد مقاومتی و الزامات تحقق آن در کشور، همچنین مخاطرات و آسیب‌پذیری‌های اقتصاد و نقاط ضعف اقتصاد ایران، می‌توان شاخص مقاومت‌پذیری اقتصاد ایران را از طریق محاسبه مقاومت‌پذیری پنج جزء در اقتصاد محاسبه نمود. این اجزاء عبارت‌اند از تاب‌آوری بخش دولت، تاب‌آوری تجارت خارجی، تاب‌آوری محیط کلان اقتصاد، تاب‌آوری بخش تولید و تاب‌آوری عرصه حاکمیت.» (فروغی زاده، ۱۳۹۳: ۱) سیف (۱۳۹۱) در «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران» بیان می‌دارد: در موضوع اقتصاد مقاومتی تعابیر متنوع و متفاوتی در ادبیات اقتصادی رایج شده است. تعبیری که معنای اصطلاحی و نه لغوی آن را به تعریف مقام معظم رهبری نزدیک می‌کند، «فنزیت اقتصادی» است. (سیف، ۱۳۹۱: ۵) به اعتقاد وی، «از جمله اشکالات اساسی مدیریت اقتصادی کشور نداشتن الگویی برای مدیریت اقتصاد در شرایط وجود چالش و بحران است. در شرایط حاضر که با مسئله مهم تحریم همه جانبه غرب مواجه هستیم، با وجود تلاش وافر مسئولان، متأسفانه بسیاری از مسائل به چالش تبدیل شده و چالش‌ها نیز فرصت اثرگذاری منفی بر اهداف را پیدا کرده‌اند. سیاست‌های اقتصادی نیز بدون الگویی از پیش تعیین شده به صورتی کاملاً اقتضایی و موردی به کار گرفته می‌شوند و در مجموع کارایی لازم را ندارند. لذا فقدان الگوی اقتصاد مقاومتی کاملاً احساس می‌شود. در موضوع اقتصاد مقاومتی تعابیر متنوع و متفاوتی در ادبیات اقتصادی

رایج شده است. تعبیری که معنای اصطلاحی (و نه لغوی) آن به اقتصاد مقاومتی نزدیکی می‌نماید فنریت اقتصادی است که به توان سیاست ساخته یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق با) آثار شوک‌های برونزای مخرب اقتصاد اشاره دارد. این اصطلاح با تعریفی که از آن شده است نزدیک‌ترین مفهوم به اقتصاد مقاومتی در ادبیات رایج کشور ماست. بریک‌اگلیو چارچوبی برای سنجش فنریت اقتصادی پیشنهاد می‌دهد که شامل چهار عامل اساسی ثبات اقتصاد کلان، کارایی بازارهای خرد، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی است. در جمهوری اسلامی ایران ایده اقتصاد مقاومتی ابتدا از جانب رهبر معظم انقلاب مطرح شد. از نظر ایشان، دشمن در موضوع تهدید اقتصادی به دنبال جدا کردن مردم از نظام اسلامی است. با دقت در بیانات مقام معظم رهبری مؤلفه‌ها و محورهای اقتصاد مقاومتی قابل استخراج است. از نظر ایشان، اقتصاد مقاومتی موجب می‌شود در شرایط فشار روند رو به رشد اقتصادی (و شکوفایی) در کشور محفوظ بماند و آسیب‌پذیری آن کاهش پیدا کند. شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی نتایج مهمی خواهد داشت که در بیانات مقام معظم رهبری به آنها تصریح شده است. همچنین اقتصاد مقاومتی شرایط و الزاماتی دارد که استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی، تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست‌های اصل‌چهل و چهار، توانمندسازی بخش خصوصی و کاهش وابستگی به نفت از جمله آنهاست. بر اساس مؤلفه‌هایی که از بیانات مقام معظم رهبری استخراج شد، می‌توان الگوی اقتصاد مقاومتی ایران را با چهار مؤلفه اساسی شامل رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی پیشنهاد کرد. راهبردهای فنریت اقتصادی شامل بازدارندگی، راهبردهای خنثی‌سازی، راهبردهای جذب و ترمیم و راهبردهای پخش و تضعیف است.» (سیف؛ ۱۳۹۱: ۲۱-۲۰) در خصوص این رویکرد در ابتدا باید اذعان داشت که معنای اصطلاحات و ادبیات اقتصادی که از غرب گرفته می‌شود، برای آنها طراحی شده است و به ظاهر، معنای پر مغزی برای جامعه ما خواهد داشت اما این مسئله مطرح است که محتوای آن با شرایط جامعه ایرانی و فرهنگ اسلامی تناسب ندارد. در برخی ظواهر، مولفه‌ها و ابعاد ممکن است شباهت‌هایی میان نظریات و ادبیات اقتصادی غربی با نظریات و اصطلاحات میهنی وجود داشته باشد ولی اصول و مبانی موجود در نظریات و واژه‌های ادبیات اقتصادی اسلامی-ایرانی متفاوت از رویکرد غربی و مادی آن است. در این خصوص می‌توان به نتیجه یک بررسی علمی اشاره کرد، مبنی بر این که: «در چند دهه اخیر، با توجه به ناکامی نظریات کلاسیک و مدرن توسعه در برآوردن نیازهای راستین بشری، ایده و مفهوم خطی توسعه در نظریات و مکاتب مسلط توسعه به چالش کشیده شده

و معانی و تفاسیر جدیدی از توسعه با محوریت فرهنگ و انسان و اهمیت تقدم کارگزاری ملت بر دولت، عرضه شد که در اصطلاح به نظریات پساتوسعه مشهور گردیده است. در ایران نیز با درک این واقعیت و سنجه‌های صحیح از شرایط موجود جهانی در این عرصه، مفهوم اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری برای برونرفت اقتصاد ایران از معضلات کنونی مطرح گردیده است. اگرچه این دو رویکرد در برخی جهت‌گیریها، مانند طرد و نفی بسیاری از مؤلفه‌های الگوی مدرنیستی توسعه، مانند تک خطی بودن، نگاه تقلیل‌گرایانه، تبعات ویران‌کننده زیستمحیطی و اخلاقی آنها و نیز تأکید بر توسعه بومی، محلی، مقوله فرهنگ، اخلاق توسعه و غیره سنخیت‌هایی دارند، اما از منظر شالوده‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، ارزش‌شناسی و غایت‌شناسی، تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند.» (سمیعی اصفهانی و حبیبی، ۱۳۹۴: ۵۱)

اقتصاد مقاومتی یک اصطلاح برآمده از آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی است پس چرا باید آن را در قالب‌های ادبیات اقتصادی غرب مطرح نمود؟ توجه به این نکته ضروری است که رهبر انقلاب اسلامی واژه‌های اقتصادی را براساس نیاز و مقتضیات بومی و ارزشی طراحی و استفاده می‌نمایند و انتظارشان از متفکران داخلی نیز همین است که از واژه‌ها و اصطلاحات غیربومی استفاده نمایند و با دقت از کلمات و واژه‌های مستخرج از منابع اسلامی و ایرانی بهره‌گیرند تا در دام القاء‌های ادبیات متعارف جهانی نیفتاده و از آشفتگی فضای عمومی جامعه جلوگیری نمایند. البته علاوه بر واژه‌های تولید شده در ادبیات اقتصادی غرب، خود تئوری‌های اقتصادی و سایر رشته‌های آنها عموماً ناقص است: «تئوری‌پردازی‌های غربی در زمینه‌ی سیاست، در زمینه‌ی اقتصاد، تئوری‌های ناقص و عقیم و بی‌خاصیتی است؛ ما را بیشتر تشویق می‌کند که برویم به درون خودمان مراجعه کنیم و فکر اسلامی و اندیشه‌ی اسلامی را پیدا کنیم.» (رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲)

بعد از موضوع واژه‌گزینی در انتقاد به موضوع فنریت اقتصادی، باید این مسئله را مطرح نمود که این رویکرد اقتصادی، بیشتر ناظر بر دگرگونی‌ها و تحولات بین‌الملل در حوزه اقتصادی است و موضوعات چالش‌برانگیز در حوزه‌های فردی و اجتماعی اقتصادی نظیر نحوه مصرف افراد در خانواده‌ها، تجمل‌گرایی، ربا، احتکار، معاملات حرام و غیره را مورد بررسی قرار نمی‌دهد و بیشترین توجه ایده فنریت اقتصادی ناظر بر تکانه‌های اقتصادی بین‌المللی است و در حوزه فرهنگ اقتصادی و اصلاح فرهنگ‌های اقتصادی هیچگونه دستورالعملی ندارد و بیشتر در تبیین پژوهشگرانی مورد استفاده است که از تحریم‌های اقتصادی، بحران‌های مالی و ... به عنوان تهدید اصلی اقتصاد ملی یاد می‌کنند.

۴.۲ اقتصاد ریاضتی

اقتصاد مقاومتی امری پویا، فعال، درازمدت و هجومی است اما ریاضت اقتصادی یا مقاومت اقتصادی امری کوتاه مدت، انفعالی، بخشی و مربوط به شرایط بحرانی جامعه می‌باشد. (دهقان، ۱۳۹۱: ۲) ریاضت اقتصادی را می‌توان به مثابه بن بست اقتصادی در نظر گرفت، حال این که اقتصاد مقاومتی این گونه نیست. به تعبیر محمدجواد توکلی؛ «چیزی که به عنوان اقتصاد مقاومتی از آن یاد می‌کنیم، یک نوع ایستادن مقابل هجوم اقتصادی دشمن خارجی است که می‌خواهد از ما امتیاز بگیرد و یا ما را پای میز مذاکره بنشانند، درحالی که آن چیزی که غربی‌ها با اسم ریاضت اقتصادی با آن مواجه شدند، درواقع به بن بست رسیدن اقتصادشان و قرار گرفتن در بحران مالی به جهت ناکارآمدی طراحی‌های اقتصادی می‌باشد. سبک مدیریت یا سبک زندگی در راستای اقتصاد مقاومتی، مفهومی است که وقتی شهروند اسلامی می‌بیند جامعه اسلامی در خطر است حاضر به فداکاری شود و فداکاری یک مفهوم ارزشی است در مقابل ریاضت که اجبار را دیکته می‌کند. کاری که ما راجع به جهاد اقتصادی انجام دادیم، این بود که با توجه به گفتمان قرآنی و روایی، جهاد اقتصادی را به عنوان یک سبک زندگی اقتصادی و یک سبک مدیریت اقتصادی تعریف کردیم و اقتصاد مقاومتی در واقع شرایطی را ایجاد کرده که ما بتوانیم آن «سبک جهادی» را احیا کنیم. جهاد اقتصادی یک نوع سبک زندگی است که با سه مؤلفه؛ فعال بودن به عنوان یک تلاش مضاعف، هوشمندی و ارزش‌مداری شکل می‌گیرد.» (توکلی، ۱۳۹۱: ۲) خیلی از صاحب نظران و پژوهشگران خارجی و داخلی نیز منظور از اقتصاد مقاومتی را همان ریاضت اقتصادی می‌دانند ولی در حقیقت مراد این است که در اقتصاد حداکثر استفاده از منابع و امکانات انجام بگیرد یعنی از امکانات اقتصادی کشور اعم از سرمایه، نیروی انسانی و منابع به بهترین وجه استفاده شود. (فرزین وش، ۱۳۹۳: ۱۱۷)

اقتصاد مقاومتی به نظام اقتصادی با خصومت ویژه مقاومتی بودن اطلاق می‌شود. کارویژه این نظام اقتصادی آن است که در شرایط وجود چالش بتواند اهداف اساسی خود را محقق سازد. لذا منظور از مقاومتی بودن، ایستادگی در برابر طوفان‌های بیرونی و ثمردهی در شرایط نامساعد است. این در حالی است که اقتصاد ریاضتی سرنوشت محتوم آن اقتصادی است که با وجود داشتن آرمان مغایر با نظام سلطه، نتوانسته باشد ساز و کار لازم را برای پاسخ به چالش‌ها فراهم سازد. این همان سرنوشت بدی است که باید از آن اجتناب کرد، زیرا در شرایط اقتصاد ریاضتی هزینه‌های زیادی به مردم و جامعه تحمیل

می‌شود که ممکن است مسائل امنیتی مهمی را نیز بر اثر پائین آمدن سطح رفاه عمومی برای کشور ایجاد کند. لذا، اقتصاد مقاومتی الگویی برای احتراز از دو سرنوشت مطلوب، یعنی وابستگی و اقتصاد ریاضتی است. (سیف، ۱۳۹۲: ۹۶-۶۵) اقتصاد ریاضتی ناظر به طرح‌هایی در حوزه اقتصاد است که نهادهای دولتی برای کاهش هزینه و برون رفت از کسری بودجه، خدمات عمومی نظیر خدمات تامین اجتماعی، بهداشتی، تفریحی و... کاهش می‌یابد. در عین حال، افزایش مالیات‌ها، قرض‌های بین‌المللی، وابستگی به اقتصاد بین‌الملل، فشار اقتصادی به مردم و غیره از شاخصه‌های ریاضت اقتصادی است که کاملاً با اقتصاد مقاومتی متمایز می‌باشد. در همین راستا باید به برخی از تفاوت‌های اقتصاد ریاضتی و مقاومتی اشاره داشت: در اقتصاد مقاومتی، برخورد فعال است، ولی در اقتصاد ریاضتی انفعالی است؛ دولت در اقتصاد مقاومتی با تکیه بر توانایی داخلی، بدون استقراض خارجی کار می‌کند، ولی در اقتصاد ریاضتی، دولت وام‌های خارجی دریافت می‌کند و از آن طرف مالیات زیاد بر جامعه تحمیل می‌شود و مردم قدرت خرید ندارند یا قدرت خرید کم می‌شود؛ در اقتصاد ریاضتی باید سختی را تحمل کنند، ولی در اقتصاد مقاومتی به دنبال چیزهای باارزشی هستند که باید حفظ شود که از آن جمله می‌توان به کشور، انقلاب، استقلال، دین و... اشاره نمود و از حفظ آن احساس لذت می‌کنند. (صدیقی، ۱۳۹۴)

برخی از محققان اقتصادی اعتقاد دارند که ریاضت اقتصادی برای رفع مشکلات اقتصادی چندان کارایی ندارد و می‌تواند بر شدت بحران‌های مالی بیفزاید و جامعه به دلیل تدابیر غیر صحیح مسئولان دولتی، تحت فشار بیشتری قرار گیرند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌دارند: «اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی نیست، به معنای در لاک خود رفتن نیست؛ یک معنای کاملاً معقول‌تر و عمیق‌تری دارد که قابل فهم و قابل دفاع است؛ و علاج هم همین است.» (رهبری، ۱۳۹۲/۶/۶) این رویکرد در اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که برخلاف اقتصاد ریاضتی که کوتاه مدت است (پیغامی، ۱۳۹۳: ۱۵۴)، این سیاست‌های اقتصادی بلند مدت هستند و در عین حال صرفاً یک مسکن اقتصادی نیست بلکه راه حل کلیدی و اساسی رفع مشکلات اقتصادی کشور است. در عین حال، کشورهای نظیر اسپانیا، یونان، فرانسه، استرالیا و سایر کشورهای اروپایی که وارد ریاضت اقتصادی می‌شوند از درآمدهای ملی برای برون رفت از بدهی‌های مالی خارجی استفاده می‌شود و به مردم فشار زیادی وارد می‌شود و از ارائه خدمات درمانی، بهداشتی، اجتماعی و... کاسته می‌شود و این موضوع در حالی است که در شرایط اقتصاد مقاومتی، بر خدمات درمانی و بهداشتی افزوده می‌شود و سعی بر این است که بر هیچ یک از مردم

فشار مالی و اقتصادی وارد نشود و براساس رعایت عدالت اجتماعی از آسیب‌های اقتصادی بکاهند.

۳. نتیجه‌گیری

با بررسی متون منتشر شده در باب اقتصاد مقاومتی به نظر می‌رسد که چهار برداشت مغایر با اقتصاد مقاومتی وجود دارد که نگرشی کامل از این استراتژی ارائه نمی‌دهند و بر یک بخش از این الگوی بومی اقتصادی توجه دارند. رویکرد تحریم محور، دیدگاهی کوتاه مدت به این موضوع دارد و اقتصاد مقاومتی را به مثابه یک تاکتیک می‌نگرد. اگرچه اقتصاد مقاومتی در کوتاه مدت برای مهار تحریم‌ها به وجود آمده است ولی به عنوان یک استراتژی به موضوعات دیگر اقتصادی در آینده هم توجه دارد و بعد از رفع تحریم‌ها هم وجود خواهد داشت. برداشت بعدی، همسان‌پنداری اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی است؛ اگر اقتصاد مقاومتی برآمده از اقتصاد اسلامی و عیناً مطابق با آن بود، احتیاجی به مطرح شدن اقتصاد مقاومتی نبود و از همان اصطلاح اقتصاد اسلامی استفاده می‌شد و علاوه بر این موضوع، دایره شمولیت اقتصاد اسلامی فراتر از اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد ریاضتی یکی دیگر از برداشت‌هایی است که در برخی از متون منتشر شده در داخل پیرامون اقتصاد مقاومتی وجود دارد. جامعه ایرانی با داشتن ظرفیت‌های ملی فراوان احتیاجی به ریاضت ندارد بلکه مدیریت صحیح منابع و سرمایه‌ها مدنظر می‌باشد و فشار آوردن به مردم و تحصیل درآمد مردم با مالیات‌های گزاف نیز مقصود اقتصاد مقاومتی نمی‌باشد. افزایش حمایت‌های درمانی و بهداشتی و توجه به توانمندی‌های اجتماعی در فرایند عملیاتی سازی اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران با اقتصاد ریاضتی در کشورهای اروپایی و یا نظام‌های دارای بحران اقتصادی و مالی نظیر یونان، اسپانیا و... متفاوت است و نشاط اجتماعی و تحرک در اقتصاد مقاومتی وجود دارد، به گونه‌ای که این پویایی در نظام‌های ریاضتی یافت نمی‌شود چون مردم تحت فشار هستند. برداشت دیگر، اقتصاد تاب آور و فنریت اقتصادی است که رواج یافته است. باید اذعان داشت که رهبر انقلاب، استفاده از ادبیات بومی برای برون رفت از مشکلات اقتصادی را توصیه می‌کنند زیرا نظریه‌های غربی را نمی‌توان برای تبیین استراتژی‌های اقتصادی بومی به کار برد، زیرا در مبادی فرانظری دارای افتراقات زیادی هستند و در عین حال، ادبیات لیبرالیستی از قابلیت‌های لازم برای تطابق با نظریات منطبق با اقتصاد اسلامی را

دارا نمی باشد. در عین حال، فنریت اقتصادی بیشتر ناظر بر تکانه‌های اقتصادی بین‌المللی است ولی اقتصاد مقاومتی بیشتر بر چالش‌های درونی تمرکز دارد.

کتاب‌نامه

- اختری، عباسعلی (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۲.
- ارژنگ، اردوان و مهدی دهقان (۱۳۹۳). «پژوهشی در مبانی اخلاقی اقتصاد مقاومتی»، کنگره فرهنگ و اندیشه دینی، بوشهر: مرکز راهبری شورای فرهنگ عمومی.
- اسدی، علی (۱۳۹۳). «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره دوم، ش ۵.
- آقا محمدی، علی و ابوالفضل غیاثوند (۱۳۹۳). تاب آوری، رویکرد مدیریت مخاطرات، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- آقائظری، حسن (۱۳۹۳). «رسالت دانشگاه و حوزه در راه تحقق نظریه اقتصاد مقاومتی»، علوم انسانی اسلامی، ویژه نامه اقتصاد مقاومتی.
- پیغامی، عادل (۱۳۹۳). درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی، تهران: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
- پیغامی، عادل و دیگران (۱۳۹۴). جستارهایی در اقتصاد مقاومتی: تحریم‌های اقتصادی ایران، تهران: امام صادق (ع).
- تاری، فتح اله و زهرا کاویانی (۱۳۹۲). «اقتصاد مقاومتی و مولفه‌های آن»، فصلنامه سیاست کلان، سال دوم، ش ۲.
- تراب زاده جهرمی، محمدصادق و دیگران (۱۳۹۲). «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه آیت الله خامنه‌ای»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، ش ۳۲.
- تشکینی، احمد و امیر رضا سوری (۱۳۹۳). تحلیلی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران با رویکرد اقتصاد مقاومتی، تهران: نشر نور علم.
- توکلی، محمدجواد (۱۳۹۱). «مفهوم اقتصاد مقاومتی و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی»، قبس، سال دوم، شماره ۱۸.
- جانی، سیاوش و علاءالدین ازوجی (۱۳۹۳). تبیین مفهوم و مبانی تاب آوری و اقتصاد مقاومتی در طراحی برنامه ششم توسعه، تهران: دفتر معاونت برنامه ریزی رئیس جمهور.
- جلالی، غلامرضا (۱۳۹۴). پدافند اقتصادی و الزامات آن، تهران: نشر نیلوفران.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴). لوح مجموعه بیانات مقام معظم رهبری، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۳). «الگویی بومی برای مقابله با مخاطرات اقتصادی، پدافند اقتصادی، سال اول، ش ۲.
- رادمهر، احسن الله (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی با تولید ملی، تهران: انتشارات تولید کتاب.
- رحیمی، محمد (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی: مروری بر بازسازی و مقاوم سازی اقتصادی کشورهای شکست خوره شده، ارومیه: نشر معمار.

۱۲۲ رویکرد انتقادی درباره برداشت‌های رایج از اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی در ایران

- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۳۹۴). مقدمه ای بر نقش پدافند اقتصادی در اقتصاد مقاومتی، تهران: انتشارات بوستان حمید.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و فاطمه حبیبی (۱۳۹۴). «نظریه پساتوسعه و الگوی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی بسیج، ش ۶۶.
- سیف، اله مراد (۱۳۹۳). نقشه راه پیاده سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تهران: دانشگاه دفاع ملی.
- سیف، اله مراد (۱۳۹۱). «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، سال پنجم، ش ۱۶.
- سیف، اله مراد (۱۳۹۲). «مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی بسیج، ش ۶۱.
- سیفلو، سجاد (۱۳۹۳). «مفهوم شناسی اقتصاد مقاومتی»، معرفت اقتصاد اسلامی، سال پنجم، ش ۱۰.
- سیفلو، سجاد (۱۳۹۳). «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی»، سیاست دفاعی، سال بیست و دوم، ش ۸۷.
- صدیقی، محمد (۱۳۹۴). اقتصاد و فرهنگ، چهارم‌حال بختیاری: نشر آصف.
- عزتی، مرتضی و یونس سلمانی (۱۳۹۴). «برآورد اثر تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران»، مطالعات راهبردی بسیج، ش ۶۷.
- غیاثوند، ابوالفضل و فاطمه عبدالشاه (۱۳۹۴). «مفهوم و ارزیابی تاب آوری اقتصادی ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، دوره پانزدهم، ش ۴.
- غیاثوند، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۳). درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی: مروری بر ادبیات جهانی درباره تاب آوری ملی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- غیاثوند، ابوالفضل و الهه رمضانیان (۱۳۹۴). «ارزیابی میزان تاب آوری اقتصادی ایران»، مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، ش ۶۸.
- فرزین و ش، اسدالله (۱۳۹۳). «ضرورت استفاده ی بهینه از همه امکانات موجود با وجود محدودیت‌ها»، علوم انسانی اسلامی، ویژه نامه اقتصاد مقاومتی.
- فروغی زاده، یاسین (۱۳۹۳). تبیین مفهومی اقتصاد مقاومتی و شاخص سازی و سنجش مقاومت پذیری اقتصاد ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- محق نیا، محمدجواد (۱۳۹۳). «بانک مرکزی در خط مقدم جنگ اقتصادی»، علوم انسانی اسلامی، ویژه نامه اقتصاد مقاومتی.
- میرمعزی، سیدحسن (۱۳۹۱). «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن»، اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، ش ۴۷.
- هزاوئی، مرتضی و علی زیرکی حیدری (۱۳۹۳). «اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران»، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۱، ش ۳۷.

Cordesman, Anthony(2014). Bryan Gold and Chloe Coughlin-Schulte, Iran-Sanctions, Energy, Arms Control, and Regime Change, A Report of the CSIS Burke, CSIS/Rowman & Littlefield.

Hamel, Gary and Liisa Valikangas (2003). «The Quest for Resilience», Harvard Business Review, September, vol 81, No 9.

Brigulio, Lino and et.al (2006).«Conceptualising and Measuring Economic Reslience», in Building the Economic Reslience of Small States, Malta: Islands and Small States Institute of the University of Malta and London, Commonwealth Secretariat.

Flynnm, Stephen (2004). America the Vulnerable: How Our Government Is Failing to Protect Us from Terrorism, New York, HarperCollins.